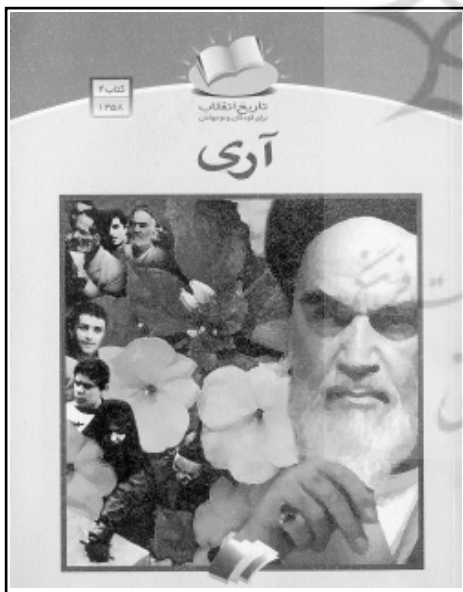




بررسی مجموعه ده جلدی تاریخ انقلاب

حرکت به سمت شفافیت

○ امیر بختیاریان



- عنوان کتاب: تاریخ انقلاب برای کودکان و نوجوانان (۱۰ جلد)
- زیر نظر: شورای نویسندگان و شورای تولید
- ناشر: نشر تاریخ و فرهنگ
- نوبت چاپ: ۱۳۷۸ - ۱۳۷۹

پسرابراهیم است. یا این که انزال و تنزیل چه تفاوت هایی با یکدیگر دارند. (۲) توجه بیشتر به نکات زبان‌شناسی، ریشه واژه‌های مشترک بین ادیان و تنوع و تشابه قرائت‌های آنها در زبان‌های مختلف.

(۳) توجه به اعلام جغرافیایی، از نظر تطبیق نام‌های کهن آنها با نام‌های امروزی و ارائه اطلاعاتی درباره جایگاه آنها در جغرافیای امروز جهان و در صورت امکان، ارائه تصاویری از آنها.

(۴) توجه به پرسش‌هایی که ممکن است در ذهن انسان پرسشگر، به ویژه نسل جوان پدید آید و ارائه پاسخ مناسب به آن. مثلاً پاسخ این پرسش که: «بیت المعمور، خانه‌ای است در آسمان، برابر کعبه که محل زیارت ملائکه است» (ص ۳۷ فرهنگ‌نامه قرآنی)، پس با گردش زمین و گردش کعبه، این خانه نیز در آسمان می‌گردد؟

(۵) نگاه به پژوهش‌های جدید و یافته‌های نو که می‌توانند با درک بهتر آیات و واژه‌های قرآن مرتبط باشند. مثلاً توجه به دستاوردهای باستان‌شناسی و مسلمات علم جدید، گاه می‌تواند نگاه‌ها و پرسش‌هایی نو را درباره مفاهیم کهن در پی داشته باشد. به عنوان نمونه، این نظر برخی پژوهندگان معاصر خارجی، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که آیا ارم همان هرم است و سازندگان اهرام مصر، همان انسان‌های چندین متری هستند که قبر آنها در کاوش‌های باستان‌شناسی در همان نزدیکی یافت شده است؟

(۶) تحلیل و بررسی تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی برخی وقایع، پیشامدها و رویدادها به منظور قرار دادن نسل جوان در فضای وقایع و موقعیت‌ها.

○ چند «باید»

اگر بخواهیم کاری عقیدتی را برای جوان امروز سامان دهیم، باید همواره خود را به جای جوانی فرض کنیم که از یک سو، تشنه اطلاعات زنده و ملموس، با زبانی ساده و قابل فهم است و از سوی دیگر، ذهنی دارد آکنده از اطلاعات امروزی و روحی دارد پاک که ناهنجاری‌ها را حس می‌کند و صاحب اندیشه‌ای است منطقی، خلاق، پویا و تصویرساز که زیر بار پذیرش چیزی که برای او جا نیفتد، نمی‌رود؛ همان چیزی که از آن به شک مقدس تعبیر می‌شود و در وجود هر مومن باید باشد تا به بصیرت بیشتر و در نتیجه، ایمان افزون‌تر وی بینجامد.

و اما خود ما نیز به عنوان پدید آورنده اثری عقیدتی، به ویژه برای جوان و نوجوان، باید به این نکته توجه کنیم که ممکن است همه آن چه در کتاب‌ها خوانده‌ایم، درست نباشد یا به عکس، برخی از آن چه نادرستش می‌پنداشته‌ایم، درست باشد و یا برخی اطلاعاتی که پیشینیان به ما منتقل ساخته‌اند، ناقص یا خام باشند و پژوهش‌هایی تازه بطلند، نگاه‌ها و نگرش‌هایی نو بخواهند، تردیدهایی تازه برانگیزند یا یقین‌هایی تازه بیفزایند.

در این راه، بی‌گمان، باید از برخورد با هر شبهه‌ای استقبال کرد و خود را در جریان مطالعه اندیشه‌ها و عقیده‌هایی قرار داد که ممکن است از بنیان گرفته تا نقش و نگار، بنای باور دینی را به چالش بطلند و حتی گاه، حقی را بر ما آشکار سازند؛ گرچه از زبان اهل باطل باشد.

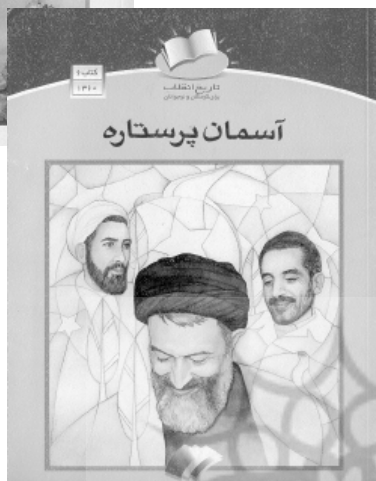
این راز و رمز کار آنهاست که در علوم دینی، به روز مانده‌اند، به روز نوشته‌اند و بر نسل جدید زمان خویش، تاثیر نهاده‌اند و حرکت‌های دینی آفریده‌اند.

در مقدمه این مجموعه ده جلدی، آمده است: «هدف نهایی ما، آن است که بتوانیم با استفاده از نظریات صادقانه شما و تمام صاحبان نظر، به مرور، این مجموعه را رو به کمال ببریم و در قالب‌ها و شکل‌های متنوع‌تر و کامل‌تر، برای گروه‌های سنی مختلف، ارائه دهیم.»

این‌گونه برخورد با یک پروژه تحقیقاتی، از نگاه بلند و واقع‌بینانه گردآورندگان نشان دارد. مجموعه ده جلدی تاریخ انقلاب، در حال حاضر، برای مخاطبان کودک و نوجوان تهیه شده است و می‌دانیم که این گروه از مخاطب، طیف سنی وسیعی را شامل می‌شود که بدون شک، خواسته‌ها و علاقه‌های مشترک آنان، با هم نسبتی ندارد. به طور قطع، کتابی که برای بچه‌های مقطع ابتدایی تالیف می‌شود، از حیث زبان و متن، چاپ، صفحه‌بندی، حروف، عکس‌ها، نقاشی‌ها و... بسیار تفاوت دارد با کتابی که قرار است برای مقطع تحصیلی راهنمایی فراهم آید. گردآورندگان این مجموعه، خود با صداقت، اعلام کرده‌اند که این مجموعه، طرح و پیش‌نویس کاری است بزرگ‌تر برای گروه‌های سنی مختلف، در قالب‌ها و شکل‌های متنوع‌تر و کامل‌تر.

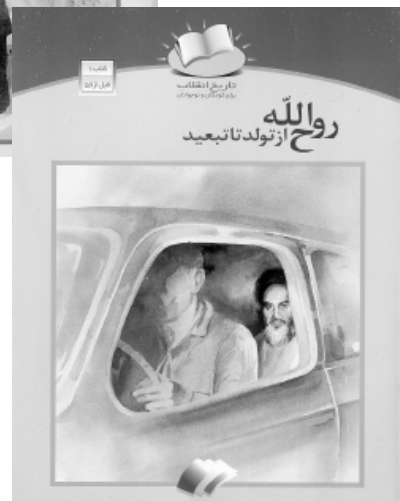
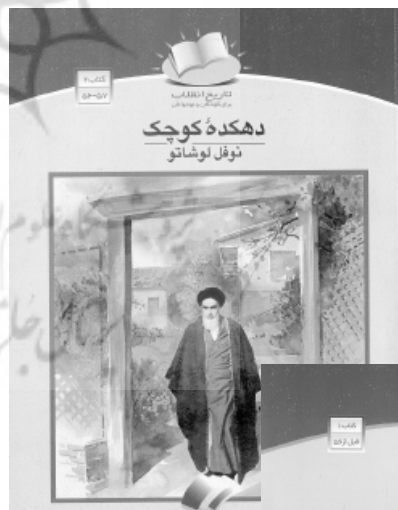
اما مجموعه تاریخ انقلاب، تا همین‌جا هم کاری است قابل تأمل و توجه. شیوه تاریخ‌نویسی در این اثر، با اخلاف خود، کاملاً متفاوت است و نگاهی که از پس این تألیف به چشم می‌آید، نگاهی است مترقی‌تر و علمی‌تر که تاریخ را ملک شخصی و مالی قابل تصاحب نمی‌داند که به هر وجهی بخواهیم با آن برخورد کنیم و آن قدر از سرو ته آن بزنیم و به بر و رویش اضافه کنیم تا دلخواه‌مان شود. در تاریخ‌نویسی‌های پیشین که توسط سازمان‌های رسمی و برای کودکان تهیه می‌شد، این روشی عادی و جا افتاده بود مؤلفان، خیلی راحت عکس‌ها را از قاب‌ها پایین می‌آوردند و هر عکسی را که خوش داشتند، به قاب دیوار تاریخ آویزان می‌کردند. نکته جالب، این‌جا بود که آنها خودشان هم به ناصواب بودن کارشان آگاه بودند و به همین سبب، بسیاری از کتاب‌های تاریخ مدارس، فاقد نام نویسنده است. گویا نویسنده یا نویسندگان، شرم‌شان می‌آمد که این شمایل مبدل را به نام خودشان ثبت کنند.

مجموعه تاریخ انقلاب، در این مورد، گام‌هایی به جلو گذاشته و تاریخ‌نویسی ما



از آن صورت چهار دست و پا راه‌روی، فارغ شده است. مؤلفان با زبانی پاکیزه، بی‌طرفانه و عاری از الفاظ ایدئولوژیک و تصنعی کوشیده‌اند بخش‌هایی از تاریخ انقلاب را تا آن حد که در ظرف تحمل زمانه است، تصویر کنند. خیلی جاها صدای سکوت مؤلفان به خوبی به گوش می‌رسد و آنها به جای جعل و تحریف، به روش سکوت پناه برده‌اند. در عین حال و در حد مقدور، از بیان بعضی واقعیات هم طفره نرفته‌اند و این ترس را نداشته‌اند که معرفی فلان شخص یا بیان زندگی کسی که عمری را در مبارزه با رژیم شاه گذرانده و حالا به مذاق زمانه خوش نمی‌آید، بچه‌ها را از مسیر هدایت منحرف کند. حافظه تاریخی بچه دبیرستانی‌های چند سال پیش، این را به یادشان می‌آورد که در کتاب تاریخ معاصر دبیرستان، تصویر کسانی در کنار هم آمده بود، ولی از آن‌جا که زمانه با برخی از آنها ناساخت، عکس و نام و یاد آنها از کتاب تاریخ معاصر رخت بست! گویی اصلاً نبوده است و قرار نیست کسی که از او خوش‌مان نمی‌آید، مبارز و انقلابی باشد. صفحه ۵۱ کتاب دوم این مجموعه، به ما می‌گوید که مؤلفان قصد نداشته‌اند بر صفحه تاریخ ترتازی کرده، تر و خشک را با هم بسوزانند. البته این تنها صفحه قابل توجه در این مقوله نیست و مؤلفان، در صفحات چندی از این کتاب، با صداقت و جرأت، آن‌چه را که اتفاق افتاده است و احیاناً به مذاق روز نیست، آورده‌اند. از آن جمله است: صفحات ۳۴ تا ۳۹ کتاب سوم، درباره مهندس بازرگان و صفحاتی دیگر از کتاب‌هایی دیگر. این موضوع، تنها شاهد برای وسواس مؤلفان در بیان واقعیات تاریخی نیست و می‌توان به نکات دیگری هم اشاره کرد که از آن جمله است بیان آمار شرکت‌کنندگان در انتخابات مختلف و گزارش درصد شرکت‌کنندگان در مقایسه باکل افرادی که می‌توانسته‌اند در انتخابات شرکت کنند.

در کتاب چهارم و در صفحه ۶۵ می‌خوانیم که ۶۷ درصد افراد در پای صندوق‌های رأی انتخابات اولین رئیس‌جمهوری ایران شرکت کردند و در اولین انتخابات مجلس هم ۵۲ درصد (ص ۶۹). البته این روال همیشه هم رعایت نشده است و مؤلفان، در کتاب دهم و درباره انتخابات ریاست‌جمهوری چهارم، آمار نمی‌دهند (ص ۳۶). این موضوع برخلاف تألیف یک کتاب بر مبنای علمی است و خوب است اگر می‌خواهیم روش‌مند پیش برویم، همیشه چارچوب‌ها را حفظ و رعایت کنیم. حال به اجمال، چند کتاب از این مجموعه را تورق می‌کنیم:

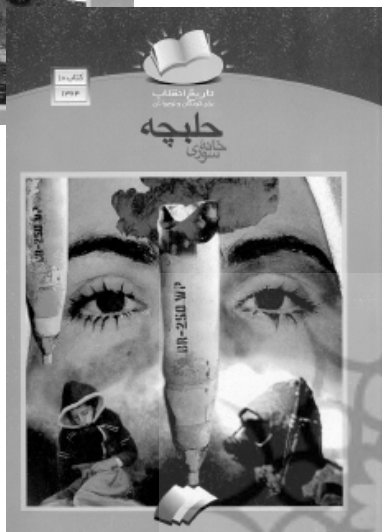
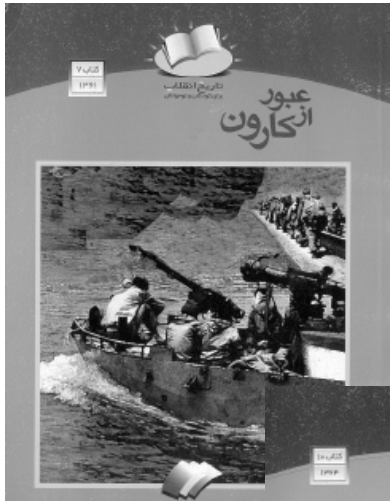


این کتاب به تاریخچه شکل‌گیری انقلاب، تا پیش از سال ۵۶، اشاره می‌کند و نقطه شروع انقلاب را اوائل دهه ۴۰ می‌داند. این در حالی است که می‌دانیم نقطه شروع انقلاب ۵۷، بازمی‌گردد به قیام مشروطه و شاید بد نباشد که خوانندگان کتاب، در صفحاتی با مشروطه، شروع انقلاب را تجربه کنند. از طرف دیگر، می‌دانیم تا قبل از داغ شدن تنور انقلاب در سال ۵۶، تعدادی از روحانیت و بخش قابل توجهی از دانشجویان و دانشگاہیان، موتور انقلاب را روشن نگه داشته بودند که در این کتاب، اشاره‌ای قابل ذکر به آنها نرفته و کتاب صرفاً درباره شخصیت امام نوشته شده است.

نکته دیگر آن‌که تا پیش از سال ۵۶، انقلاب در میان توده‌های مردم جایی باز نکرده بود و اساساً توده ایران سال‌ها بود که به تغییر حکومت نمی‌اندیشیدند. اما در بخش‌هایی از این کتاب، بر توده تأکیدی اغراق‌آمیز شده و به جای توجه به قشر دانشگاہی که سلطان‌دار جریان انقلاب در آن سال‌ها بودند، بر عامه مردم تأکید شده است.

سخنرانی تاریخی: روزهاست که مردم منتظر این ساعت هستند. روز سخنرانی، از پیش تعیین شده است و مردم از شهرهای مختلف ایران، به قم هجوم آورده‌اند. (ص ۳۰) این جمله شرح روزی از روزهای سال ۴۱ است، اما استفاده از لفظ «هجوم» در این مورد جایگاهی ندارد و تاریخ معاصر ایران به ما می‌گوید که عموم مردم از سال ۵۶ به بعد و آن‌هم به رهبری و با اعتماد به امام بود که «هجوم» را یاد گرفتند و فهمیدند که حق دارند بر حکومت یورش ببرند. در آن سال‌ها اعتراض مردم بیشتر نسبت به رفتار حکومت با امام بود و پا از آن فراتر نگذاشته بودند که در این کتاب اشاره‌ای به آن نشده است. در صفحه ۴۵ همین کتاب هم اشاره شده است که «آیت‌الله خمینی، در بهمن ۱۳۴۸، برای اولین بار بحث ولایت فقیه را مطرح می‌کنند.» این در حالی است که پیش از امام هم توسط تعدادی - البته اندک از فقه‌ها بحث ولایت فقیه، در اندازه‌ها و تعاریفی دیگر، مطرح شده بود.

سرود آخر کتاب هم، شعری است ضعیف که کلمات به خوبی در خدمت معنا نیامده‌اند:



دفتر تاریخ ما
قصه شاهانه بود
از ستمشاهی و ظلم
این وطن ویرانه بود.

کتاب دوم - دهکده کوچک - نوفل لوشاتو

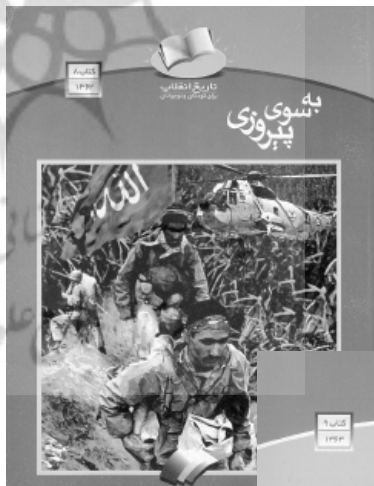
یکی از مسائلی که در تمام حکومت‌های دیکتاتوری دامن‌گیر مردم است، عدم اعتماد آنها به دولت‌مردان است. در نتیجه این بی‌اعتمادی، مردم هر اتفاق ناجوری را به پای حکومت می‌گذارند و از آن جمله بوده است: مرگ تختی و دکتر شریعتی که در صفحات ۲۲ و ۲۵ کتاب به آن اشاره رفته است:

مردم بر این باور بودند که تختی... به فرمان شاه... به قتل رسیده است ص ۲۲.

دکتر علی شریعتی در انگلستان از دنیا رفت و مردم بی‌درنگ مرگ او را به حکومت نسبت دادند ص ۲۴ و... روشن است این مظنونیت‌ها در فضای کدر و مبهم آن دوران بی‌دلیل نیست، اما می‌دانیم که کتاب تاریخ انقلاب در سال ۷۸ منتشر شده است؛ یعنی زمانی که باید قاعدتاً پرده از راز مرگ تختی، شریعتی و... برداشته شده باشد (البته اگر رازی در کار باشد و مرگ آنها طبیعی نبوده باشد). به هر حال، به نظر می‌رسد در متن یک کتاب تاریخی، به صرف آوردن این که «مردم اعتقاد داشتند...»، نمی‌توان هر رویدادی را بیان کرد. مگر آن‌که صرفاً بخواهیم نوع نگاه مردم را به حکومت بیان کنیم که آن مسئله، خود روایت دیگری را خواهد داشت.

در صفحه ۲۶ کتاب آمده: «خبر وحشتناک‌تر از آن بود که کسی جرأت بازگو کردن آن را داشته باشد.» این جمله در اشاره به خبر مرگ آیه‌الله مصطفی خمینی است، اما معلوم نیست که مرجع «کسی» چه کسانی هستند. تمام مردم ایران؟ یا نه اطرافیان امام؟

در ظاهر متن، بیشتر به نظر می‌رسد که منظور تمام ملت ایران است و این در حالی است که مردم بعد از رویداد مرگ فرزند امام و چاپ مقاله اطلاعات، به تدریج



نگاهی که از پس این تألیف به چشم می‌آید، نگاهی است مترقی‌تر و علمی‌تر که تاریخ را ملک شخصی و مالی قابل تصاحب نمی‌داند که به هر وجهی بخواهیم با آن برخورد کنیم و آن قدر از سرو ته آن بزنیم و به پروریش اضافه کنیم تا دلخواه‌مان شود

مؤلفان با زبانی پاکیزه، بی‌طرفانه و عاری از الفاظ ایدئولوژیک و مصنوعی کوشیده‌اند بخش‌هایی از تاریخ انقلاب را تا آن حد که در ظرف تحمل زمانه است، تصویر کنند. خیلی جاها صدای سکوت مؤلفان به خوبی به گوش می‌رسد و آنها به جای جعل و تحریف، به روش سکوت پناه برده‌اند

و در اندازه‌های میلیونی، با امام آشنا شده، به او انس گرفتند و رهبری‌اش را پذیرفتند. در صفحه ۲۹ هم بدون آن که اشاره‌ای شود به علت تظاهرات ۱۹ دی ۱۳۵۶ که نقطه عطف شروع انقلاب ۵۷ بود، نویسندگان صرفاً به توضیح ماجرا پرداخته‌اند و در صفحه ۳۰ و در توضیح انگیزه ایادی شاه، برای به آتش کشاندن سینما رکس، این جمله آمده است که معنای آن واضح نیست:

«اکثریت مردم ایران بر این باور بودند که ایادی شاه، دست به این جنایت زده‌اند تا با این کار، تظاهرات مردمی را بدنام کنند و این عمل وحشیانه را به گردن آنان بیندازند.»

پیدا کنید رابطه تظاهرات مردمی را با آتش زدن سینما. در ضمن، خوب است در این واقعه، به فیلمی که در آن وقت در حال اکران بوده و به موضوع آن اشاره‌ای شود تا طیف تماشاچیان آن بر مخاطب کتاب روشن گردد.

کتاب سوم - پرواز ۴۷۲۱

کتاب سوم، درباره رویدادهای سال ۵۷ است. گزارشگری و تصاویر متن، بسیار زیباست، اما خواننده این جلد، اگر اطلاعی از رویداد تاریخی انقلاب نداشته باشد، تصور می‌کند تمام انقلاب در تهران اتفاق افتاده است و شهرهای دیگر نقشی نداشته‌اند. در این متن، لاقلاً می‌شد به اشاره‌هایی، نام چند شهر در کنار حوادثی که در آنها اتفاق افتاده بود، آورده می‌شد.

«پس از انتشار خبر خروج شاه از ایران، دسته‌های مختلف مردم از بعدازظهر در شهرها به کوچه‌ها و خیابان‌ها ریختند و دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند و در چند شهر، مجسمه شاه را پایین آوردند. مردم از ساعت ۲ بعدازظهر گروه گروه محله‌های تهران گردهم آمده بودند و...» ص ۱۱

در تاریخ انقلاب، اولین شهری که در آن، مجسمه شاه به زیر آورده شد، شهر نهاوند بود که می‌شد در این جا اشاره‌ای به آن بشود و یا در صفحه ۱۷، وقتی به

اعتصاب افسران و درجه‌داران پایگاه شاهرخی اشاره شده، قید می‌شد که پایگاه شاهرخی در همدان است.

درست است؛ انقلاب را تهران کرد و به سرانجام رساند، اما سهم شهرهای دیگر هم قابل ذکر است. در صفحه ۵۵ کتاب هم عکسی از بچه‌های انقلابی هست که کوکتل مولوتف در دست دارند و در متن هم به این کلمه اشاره شده، اما در پاورقی، توضیحی درباره آن داده نشده که برای بچه‌های امروز، توضیح آن لازم است.

کتاب ششم - آسمان پرستاره

این کتاب، کتاب شخصیت‌هاست و داستان ترورها، درگیری‌ها و شهادت‌ها در آن بیان شده است. اما از حضور مردم در آن خبری نیست. گویا سال ۶۰، سال مردم نیست و تنها شخصیت‌ها در آن حضور دارند. بدون تردید، باید صفحاتی را به مردم اختصاص داد و درباره آنها هم نوشت. درباره مشکلات و سختی‌های آنها و...

کتاب هفتم - عبور از کارون

از این کتاب به بعد، روال گزارشگری کتاب کمی کند می‌شود و آهنگ نوشته‌ها آرام به نظر می‌رسند. اگر نوجوانی، این مجموعه را از اول تا آخر بخواند بخواند، تصور می‌کنم با کتاب‌های قبلی بهتر ارتباط برقرار خواهد کرد. به هر حال، گزارش‌های آماری درباره جبهه‌ها، در این جزوات کم حجم، جایی ندارند و بهتر است به بیان نقاط عطف رویدادهای جنگ اشاره شود و اشاره بیشتری هم به سرداران جنگ کرد.

این روال کند در کتاب هشتم، پررنگ‌تر هم شده و به یک دستی مجموعه لطمه وارد کرده است.

کتاب نهم - جنگ شهرها

اما برخلاف نام کتاب، تنها چند صفحه به جنگ شهرها و بمباران آنها اختصاص داده شده است و آن هم تنها از زبان بچه‌ها. بمباران شهرها، ابعاد فراوان و قابل ذکری داشته که از زبان چند بچه‌ای که در این خاطره‌ها حضور دارند، بیان نشده است. ترس‌ها و دلهره‌ها، به روستا رفتن‌ها، سنگ‌سازی درخانه‌ها، پناهگاه‌سازی‌ها، آژیر قرمز، زرد و سفید، موشک، راکت و بمب، دیوارصوتی، تعطیلی مدارس و... هر کدام از این موضوعات می‌تواند مایه خلق گزارش‌ها، قصه‌ها و خاطراتی زیبا باشد که در این جزوه‌ها از بیان آنها غفلت شده است.

با تمام این‌ها، مجموعه ده جلدی تاریخ انقلاب، هم در روایت صادق است و هم در ظاهر جذاب و خواندنی.

تصویر، کلمات، حروف، صفحه‌بندی‌ها و... همه نشان از تلاشی جدی در به ثمر رسیدن این کار می‌دهد. اما باز هم باید افق‌های بازتری را گسترد و به خود اجازه داد بعضی حرف‌هایی که در گوشی و در مهمانی‌های شبانه و گپ‌های دوستانه گفته می‌شود هم به کتاب راه یابند. چه عیبی دارد بعضی وقت‌ها - فقط بعضی وقت‌ها، از اشتباهات مان هم بگوییم و چه عیبی دارد که در کتاب تاریخ انقلاب، سهم گروه‌ها و افراد را در شکل‌گیری انقلاب و ادامه آن شفاف‌تر بیان کنیم؟

این انقلاب، متعلق به همه ما است؛ حتی آنها که سال‌ها بعد از انقلاب به دنیا آمده‌اند و این کتاب و تجربه‌های عالی‌تر از این کتاب می‌تواند کودک و نوجوان امروز را به خوبی با انقلاب پیوند بزند و به او جرأت و جسارت بودن در جهان معاصر را به عنوان یک ایرانی، هدیه کند.

«تاریخ انقلاب» صفحه‌ای جدید در تاریخ‌نویسی برای کودکان است و می‌تواند حرکت به سمت شفافیت و ابهام‌زدایی را در آن به خوبی مشاهده کرد.